

چکیده

چینش جدید پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس چگونه است؟ حوزه خلیج فارس در راهبردهای نظامی آمریکا دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و این فرایند در تمام حکومت‌های واشنگتن با فراز و نشیب‌های اندک ادامه یافته است. به منظور حفاظت از منافع ایالات متحده در خاورمیانه بحران خیز، مجموعه‌ای از پایگاه‌های راهبردی مادر در نقاط مختلف جهان و پایگاه‌های پیرامونی در شرق، غرب و شمال فلات ایران، مراکز نظامی ثابت آمریکا در کشورهای جنوب تنگه هرمز که به صورت زنجیره‌ای عمان تا عربستان سعودی را فرا گرفته است، احاطه نموده و تقویت می‌نمایند. هدف از این پژوهش چگونگی آرایش نظامی هلالی شکل آمریکا در منطقه و راهبردهای جدید نظامی دولت اوباما برای حضور بلندمدت اما کم بر خورد در خلیج فارس می‌باشد. بر این اساس، با وجود خروج از عراق و افغانستان و کاهش نیروهای انسانی، تقویت و تجهیز پایگاه‌های پیرامونی و منطقه‌ای آمریکا استمرار یافته و اهمیت جغرافیای نظامی خلیج فارس به عنوان مرکز ثقل راهبردهای نظامی منطقه خاورمیانه، تا مدت‌های مدید در سیاست خارجی واشنگتن حفظ خواهد گردید.

کلید واژه‌ها: خلیج فارس، خاورمیانه، ایالات متحده آمریکا، چیدمان پایگاه‌ها، راهبرد نوین نظامی، دولت اوباما

* استادیار دانشگاه ارومیه و پژوهشگر مسایل خلیج فارس و دریای عمان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص ۶۴ - ۳۵.

مقدمه:

از اوایل دهه ۱۹۸۰ روند ساخت و توسعه پایگاه‌های نظامی آمریکا در جنوب خلیج فارس آغاز و پس از جنگ اول و دوم خلیج فارس تشدید شد. ارتباط تنگاتنگ کشورهای عرب خلیج فارس با آمریکا و انعقاد پیمان‌های متعدد نظامی، وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس و سرزمین‌های مجاور آن، موجب گردیده‌است که این حوزه به مرکز ثقل نظامی آمریکا در خاورمیانه تبدیل گردد. در می ۱۹۹۰ دولت بوش طرح برنامه‌ریزی دفاعی را با عنوان راهنمای سیاست دفاعی آمریکا منتشر کرد. در راهنمای سیاست دفاعی بر ضرورت رقابت راهبردی قدرت‌های بزرگ تاکید شده بود. حضور موثر نیروی دفاعی آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس، ژانویه - فوریه ۱۹۹۱، بیانگر تغییر سریع در راهنمای سیاست دفاعی آمریکا محسوب می‌شود. در چنین مقطعی کالین پاول، رییس ستاد مشترک وقت ارتش آمریکا که بعداً وزیر خارجه شد، طرح جدیدی را به‌عنوان راهنمای راهبرد دفاعی آمریکا برای دوران بعد از جنگ سرد منتشر نمود و در آن بیان داشت که آمریکا در شرایط موجود باید برای تهدیدهای پراکنده و متنوع برنامه‌ریزی نماید. از این‌رو روندی که توسط پاول طراحی شد، مورد استفاده کابینه کلینتون بود. در مجموع ساختار دفاعی آمریکا به گونه‌ای طراحی شد که بتواند در دو جنگ منطقه‌ای در سطح و میزان خلیج فارس به گونه هم‌زمان مشارکت کند. در جریان بحران سال ۱۹۹۰ و در راستای عملیات سپر صحرا، طی شش ماه هم‌زمان با انتقال تسلیحات و تسهیلات نظامی که امکان انجام عملیات نظامی و شهری را به این آمریکا می‌داد، بیش از ۳۷۰ هزار نیرو در مناطق مختلف خلیج فارس استقرار یافتند. پس از جلوس اوپاما به قدرت، انتظار کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس قوت گرفت، اما با تداوم نبرد در عراق، راهبرد جدید سیاست مبارزه با تروریسم واشنگتن که بر حوزه افغانستان و پاکستان تاکید دارد، استمرار تقابل میان ایران و آمریکا و شکست طرح صلح میان اعراب و اسرائیل، این تصورات به صورت روز افزونی در حال کاهش است. مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی آمریکا در حوزه خلیج فارس و دریای عمان و سرزمین‌های پیرامونی آن، سیاست حضور مستقیم واشنگتن را تقویت می‌کند. از مهم‌ترین سؤال‌هایی که سعی می‌شود در این پژوهش، که با تکیه بر گردآوری داده‌های

کتابخانه‌ای و منابع مستقیم شکل گرفته است، به آن پاسخ داده شود عبارتند از: بافت نظامی آمریکا پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در خاورمیانه چگونه ترسیم شده است؟ آرایش نظامی پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس چگونه است و راهبرد نظامی دولت اوباما چه دگرگونی‌هایی را در منطقه ایجاد می‌نماید؟ در پایان، نوشته حاضر نتیجه می‌گیرد که در سیاست نظامی جدید دولت آمریکا، خلیج فارس اهمیت راهبردی خود را حفظ و با وجود کاهش در نفرات انسانی بر تجهیز و کارآمدسازی افزون‌تر این پایگاه‌ها برای حضور طولانی‌مدت تاکید شده است.

۱. جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در راهبردهای تدافعی و تهاجمی نظامی

خلیج فارس با موقعیت طبیعی مناسب خود، تکیه گاه دفاعی عمده‌ای برای شبه جزیره عربستان و کشورهای مجاور آن است. شبه جزیره عربستان سه نقطه کنترل و دفاعی دارد که تدافع از آن را تسهیل می‌نماید: ۱. تنگه هرمز میان خلیج فارس و دریای عمان؛ ۲. تنگه باب‌المنندب میان دریای سرخ و دریای عربی؛ و ۳. کانال سوئز میان دریای سرخ و مدیترانه.^۱

خلیج فارس و تنگه هرمز موقعیت مناسبی را برای ورود نیروهای زمینی به شبه جزیره عربستان مهیا می‌سازد. با توجه به اینکه اهداف نیروهای زمینی دسترسی به بخش‌های شمالی اقیانوس هند تا خط فرضی جنوب هندوستان به اتیوپی است، ورود شبه جزیره عربستان و استیلا بر آن ضروری به نظر می‌رسد. بهترین راه برای تهاجم به شبه جزیره عربستان به استثنای بخش شمالی، عبور از تنگه هرمز و تصرف ناحیه شمال شرقی آن است. تنگه هرمز جایگاه مناسبی را برای برقراری ارتباط بین بدنه اصلی نیروی دریایی با واحدهای مستقر در خلیج فارس به وجود می‌آورد. بدین ترتیب نیروهای دریایی ضمن حفظ ارتباط با عقبه خود در اقیانوس هند، می‌توانند خطوط دفاعی خود را تا دهانه فاو در عراق گسترش دهند.^۲ تنگه هرمز در نتیجه تناسب جغرافیایی و مسایل حقوقی، موقعیت برجسته‌ای را برای عبور واحدهای ویژه نیروی دریایی و هوایی نظامی ایجاد کرده است. عمق و پهنای آن به گونه‌ای است که امکان عبور زیردریایی‌های اتمی و ناوهای هواپیمابر از آن وجود دارد. ورود زیر دریایی‌های اتمی به داخل خلیج فارس با وجود شرایط توپوگرافیک کف آن که امکان قدرت مانور و تحرکات مناسب را از آنان تا حدود

فراوانی سلب می‌نماید، تهدید بالقوه‌ای برای امنیت نیروهای زمینی محسوب می‌گردد. ویژگی ممتاز زیردریایی‌ها نسبت به سایر جنگ افزارهای دریایی که تمام اهمیت آن را ایجاد می‌کند، توانایی در پنهان شدن در زیر آب است. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۴ با انهدام سه فروند از رزم‌ناوهای انگلیسی به وسیله یک فروند زیردریایی آلمانی موسوم به یوبوت اهمیت عملیات زیر سطحی آشکار گردید. در ژانویه ۱۹۵۵ با پیوستن زیردریایی رانش هسته‌ای ناتیلوس به ناوگان آمریکا نقطه عطفی در عملیات زیردریایی‌ها ایجاد شد و در همان سال زیردریایی متعارف آلباکور که از نظر شکل بدنه و کم صدایی به سختی توسط حساسه‌های ضدزیردریایی قابل کشف بود، عملیات خود را آغاز کرد. عمده مسابقه تسلیحاتی شوروی و آمریکا و پیمان‌های ناتو و ورشو نیز در صحنه‌های توانایی رزم دریایی در زیردریایی‌ها و عملیات ضد زیردریایی تمرکز یافتند و تجهیز شوروی به ۴۰۰ فروند زیردریایی هسته‌ای و متعارف، آمریکا را مجبور ساخت که برای مقابله با ۱۰۰ زیردریایی، هواپیما و بالگردهای ضد زیردریایی و یگان شناور ضد زیردریایی تولید و در خط عملیاتی حفظ کند که هزینه سنگینی بر هزینه‌های دفاعی غرب وارد نمود، به ویژه آنکه در نبرد هسته‌ای، زیردریایی‌ها می‌توانستند با موشک‌های دوربرد و کروز ضربات ثانویه را وارد سازند. به کارگیری زیردریایی‌های هسته‌ای تغییرات شگرفی را در راهبردهای دفاع دریایی ایجاد کرد که بزرگ‌ترین برتری آن، عملیات دراز مدت در زیر آب بدون نیاز به آمدن به سطح آب بود. به‌دنبال تلاش صنایع دفاعی، سیستم رانش (AIP) مدار بسته و یا مستقل از هوای خارجی ایجاد گردید که امکان عملیات دراز مدت در زیر دریا را بدون نیاز به آمدن به سطح آب را به زیردریایی‌های متعارف نیز می‌داد. این امر انقلابی در جنگ‌های دریایی بود. زیردریایی‌ها قادر هستند در زیر لایه‌های حرارتی که در خلیج فارس و دریای عمان بسیار معمول است، از کشف شدن توسط سکوها‌های شناور و هوایی در امان بمانند.^۳

به‌دلیل چگالی زیاد آب و عمق کم خلیج فارس، یک پدیده فیزیکی به نام کانال صوتی عمیق در این آبها به‌وجود می‌آید. بر اثر این پدیده فیزیکی، صوت منتشر شده در داخل آب همواره بین کف و سطح انعکاس کلی پیدا می‌کند تا کل انرژی صوت در داخل آب میرا می‌شود؛ این پدیده به مخفی ماندن زیردریایی‌ها کمک می‌کند. یکی از دشوارترین مناطق برای عملکرد سونار فعال

و غیرفعال، آبهای کم عمق است که صداهای موجود در محیط عملکرد سونار را با مشکل اساسی مواجه می کند و ردیابی زیردریایی ها را دشوار می سازد. خلیج فارس نیز که جزو دریاهای کم عمق محسوب می گردد، دارای این وضعیت می باشد. ناهمواری های کف و جریانات شدید دریایی نیز در آبهای کم عمق، سر و صدای محیطی بسیاری را ایجاد می کند. با این حال، برخی از فعل و انفعالات طبیعی منطقه خلیج فارس و دریای عمان، گاه توانایی زیردریایی ها را کاهش می دهد که در صورت عدم امکان بهره روری از تجهیزات ضد زیردریایی ها به وسیله کشورهای ضعیف، نوعی دفاع طبیعی را به مدافعان می دهد. در فصول گرم به دلیل چگالی بالای آب زیردریایی های سرد ساخت مانند تولیدات بلوک شرق و روسیه برای فرورفتن در آب با مشکلات فراوانی روبه رو می شوند. فعالیت شدید میگوها در کف خلیج فارس در فصل تابستان به ویژه در شهریور ماه، یکی از عمده ترین مشکلات در عملکرد صحیح سونار زیردریایی ها می باشد. خلیج فارس در طول روز دو بار جزر و مد می کند که گاه ارتفاع آب به ۳ تا ۴ متر می رسد. این تغییر وضعیت، لایه های صوتی و تعادل زیردریایی ها را تحت تاثیر قرار می دهد.^۴ ناهمواری های کف خلیج فارس چون سکوهایی شنی، آب تل ها و تخته سنگ ها نیز با توجه به عمق عمومی آبها به طور ناگهانی عمق آب را کاهش داده و اگر بر روی نقشه و یا با علائم کمک ناوبری مشخص نگردند، مخمل حرکت کشتی ها و زیردریایی هاست.^۵

بر اساس حقوق دریایی بین الملل، امکان تردد شناورها و ناوهای هواپیمابر و عبور مخفیانه زیردریایی ها و ترانزیت هواپیماهای جنگی و تجاری از این منطقه وجود دارد. با توجه به اینکه تنگه هرمز فاقد جایگزین دیگری برای ورود و خروج شناورهای تجاری و نظامی سطحی و زیرسطحی بین خلیج فارس و آبهای آزاد جهان می باشد، این اهمیت بیشتر مشهود می گردد. تنگه هرمز به عنوان مکمل نیروهای بری نیز عمل می کند. راهبرد بری به منظور ایجاد پیوستگی با واحدهای دریایی خود در اقیانوس هند و همچنین عقب راندن و کنترل بر خلیج فارس و اقیانوس هند و ایجاد فشار به ماشین جنگی قدرت دریایی از طریق ممانعت از عبور نفت و سوخت مورد نیاز آنها، به تنگه هرمز نیاز داشته و دسترسی به تنگه امکان دستیابی به اهداف راهبردی یاد شده را به وجود می آورد. تسلط بر آبراه هرمز، امنیت جناح چپ نیروهای زمینی درگیر در خلیج فارس را

تأمین می‌کند. چنان‌که قدرت زمینی از شمال شبه جزیره عربستان به سوی جنوب آن کشیده شود، در صورتی امن خواهد بود که جناح چپ آن تأمین امنیت شده باشد. این امر با تصرف تنگه هرمز و جلوگیری از ورود قدرت دریایی به خلیج فارس مقدور است و از آنجایی که این منطقه در آرایش نیروی زمینی شکاف ایجاد می‌کند، ضرورت حفظ امنیت جناح چپ آن مضاعف می‌گردد. هنگامی که تنگه در کنترل نیروهای زمینی باشد، نیروی دریایی تهدید کننده‌ای برای گسترش قدرت بری در خلیج فارس موجود نخواهد بود و از طرفی نیروی زمینی تجزیه شده مجدداً در تنگه هرمز به یکدیگر پیوسته و به سمت جنوب برای عقب راندن دشمن از پایگاه‌های جنوب شرقی شبه جزیره عربستان پیشروی خواهد نمود. قدرت‌های بری و بحری برای کنترل منطقه و سواحل آن از طریق تنگه هرمز به حداقل نیرو نیاز دارند. کنترل این تنگه به منزله صرفه‌جویی در هزینه و زمان بوده و مشکل ایجاد وحدت فرماندهی و خطر تفرقه در واحدهای داخل خلیج فارس را نیز کاهش می‌دهد. اتصال تنگه هرمز به آبهای آزاد و عمیق اقیانوس هند، امکان دفاع و تصرف تنگه را به قدرت بحری می‌دهد؛ زیرا نیروی دریایی همراه با زیردریایی و واحدهای مکمل آن مانند ناوهای هواپیمابر به راحتی امکان مانور، گسترش و آرایش مورد نظر را در دریای عمان دارند و فضای گسترده آبی اجازه این گونه اقدامات را به بحریه می‌دهد.^۶

خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان با توجه به نظریات سرزمین‌های مرکزی یا هارتلند و حاشیه‌ای یا ریملند، صحنه رقابت‌های مستمر میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بوده است. تنگه به دلیل واقع شدن در قسمت انتهایی جدار نازک ریملند، محل انطباق خطوط دفاعی دو قدرت زمینی و دریایی است. بر این اساس خط دفاعی قدرت زمینی و خط دفاعی قدرت دریایی در تنگه هرمز بر هم منطبق می‌شد و در نتیجه هر دو قدرت بر کنترل این منطقه نظر داشتند.^۷ جهان غرب به رهبری آمریکا در برابر سیاست‌های نظامی اتحاد شوروی و بلوک شرق سه موضع پدافندی بنیادی در جهان داشت که شامل آمریکای شمالی و جنوبی، اروپای غربی و به ویژه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بود.^۸ بر این اساس هر صحنه عملیاتی شاخک‌هایی دارد که دارای نقش ژئواستراتژیک می‌باشند. صحنه عملیاتی اقیانوس آرام از سواحل غربی آمریکا تا سواحل دور در اقیانوس هند از جمله کرانه‌های ماداگاسکار را در بر می‌گیرد؛ زیرا

این مجموعه صحنه عملیاتی واحدی را تشکیل می‌دهد. شاخک‌های این صحنه گسترده عملیاتی خلیج کالیفرنیا و به‌ویژه خلیج فارس و دریای عمان است. در این منطقه شبه جزیره و جزایری وجود دارد که راه‌های دریایی منتهی بر معابر و تنگه‌ها را کنترل می‌کنند و حاکمیت بر آن برای طرف‌های درگیر در یک نبرد واقعی، بسیار حیاتی است.^۹ خلیج فارس و دریای عمان کشورهای حاشیه خود را به اقیانوس هند متصل می‌سازد و در نتیجه در معادلات نظامی، این حوزه به صورت یک منطقه عملیاتی یک‌پارچه ظاهر می‌گردد. تسلط بر هریک از این مناطق به منزله ایجاد تزلزل در صفوف نظامی دشمن در بخش دیگری می‌باشد.^{۱۰} گذرگاه‌های عبور از هند شرقی که مشرف به مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین بوده، برای اتصال نفت خاورمیانه به ژاپن و استمرار این فرآیند دارای اهمیت فراوان نظامی است.^{۱۱} جنوب غربی آسیا نیز از ترکیه تا هندوستان تشکیل شبه جزیره‌ای را می‌دهد که در مفاهیم نظامی به مثابه یک واحد ژئواستراتژیک عمل می‌کند. این واحد در بخش مرکزی ریملند قرار دارد که خلیج فارس و تنگه هرمز محور و مرکز آن محسوب می‌شود.^{۱۲}

۲. زمینه‌های حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس

با آغاز جنگ دوم جهانی، خطوط آبی و راه آهن ایران و سایر مناطق در کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان در اختیار نیروهای متفقین قرار گرفت.^{۱۳} موقعیت ژئوپولیتیک خلیج فارس سبب شد ایران در موقعیت دشوار و حساسی در معادلات جهانی قرار گیرد. بر این اساس به‌عنوان یکی از عمده‌ترین گذرگاه‌های انتقال تجهیزات به شوروی انتخاب گردید.^{۱۴} ایران پیمان اتحاد در زمینه‌های دفاعی و اقتصادی با متفقین منعقد ساخت که علاوه بر انگلستان و شوروی، ایالات متحده آمریکا را نیز در بر گرفت. این رویداد به منزله ورود یک عنصر سوم جدید قدرتمند در تحولات خاورمیانه و ایران بود. آمریکا با تشکیل واحد فرماندهی خدمات خلیج فارس در آگوست ۱۹۴۲، که در دسامبر به واحد فرماندهی خلیج فارس تغییر نام یافت و هر دو نیز از زیرمجموعه‌های واحد نیروهای نظامی در آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شدند،^{۱۵} به تدریج بر تمامی بنادر جنوب و جنوب شرقی ایران^{۱۶} و سایر مناطق خلیج فارس مسلط گردید.^{۱۷} بر این

اساس حدود ۳۰ هزار نظامی آمریکایی از واحدهای مختلف در ایران و به‌ویژه مناطق جنوب فعالیت داشتند. با شکست آلمان در جبهه شوروی و عقب‌نشینی کامل ارتش نازی، جنگ بین‌الملل دوم در ۸ مه ۱۹۴۵، به مراحل انتهایی خود رسید، در نتیجه در ژوئن ۱۹۴۵، عملیات فرماندهی نیروهای ایالات متحده آمریکا در ایران خاتمه یافت؛ بنادر خرمشهر، شاهپور و اهواز تخلیه و تعداد سربازان آمریکایی به حدود ۶ هزار نفر کاهش یافت.^{۱۸} پس از جنگ جهانی دوم در سایه استقرار عناصر انگلیسی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس حضور نظامی ایالات متحده کم رنگ گردید. پس از خروج عناصر ارتش بریتانیا از حوزه خلیج فارس که بر اساس رهنامه نوین دولت لندن با نام استراتژی شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ انجام گرفت، دولت شاهنشاهی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو ستون اصلی در سیاست خارجی و منطقه‌ای واشنگتن وظیفه پر کردن خلاء قدرت را انجام دادند.^{۱۹} با فروپاشی دولت پهلوی در سال ۱۹۷۹، حضور نظامی ثابت آمریکا در منطقه خلیج فارس روند شتابانی را تجربه نمود. این وضعیت در طول جنگ ایران و عراق و جنگ اول و دوم خلیج فارس تشدید گردید. به‌تدریج پایگاه‌های زمینی، دریایی و هوایی در تمامی کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس و دریای عمان تاسیس و با توجه به بحران‌های منطقه‌ای و نوع عملیات انجام شده مانند جنگ عراق و افغانستان تجهیز و بهسازی گردیدند.

۳. تحول در بافت نظامی منطقه‌ای آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

مجموعه تحولات و رویدادهای پس از سقوط عراق و افغانستان، بافت حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس را دچار تحول بزرگی نمود و منطقه را با دو تحول اساسی روبه‌رو ساخت:

۱. توسعه زمینه‌های لازم برای حضور نظامی نیروهای آمریکایی در کشورهای که رابطه نزدیکی با ایالات متحده دارند. این امر شامل تهیه و تجهیز پایگاه‌ها، ایستگاه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها و مراکز راهبردی است که در یک عملیات نظامی به کار آید. حتی کشورهایی که پیش از این رابطه نزدیکی با آمریکا نداشتند، در مواردی چون استفاده از فضای کشور، پهلوگیری ناوگان نظامی در بنادر، در اختیار گذاشتن فرودگاه‌ها، شرکت در عملیات برد، اسکان نیروها، سوخت‌رسانی، تعمیر و نگهداری تسلیحات و غیره به آمریکا کمک نموده و در مانورهای مشترک شرکت می‌کنند.

۲. افزایش بی‌سابقه پایگاه‌های نظامی مرکزی، به‌طوری‌که تنها در منطقه خلیج فارس ۵ پایگاه نظامی عمده آمریکایی وجود دارد. اهمیت این پایگاه‌ها به‌واسطه آن است که از مراکز عملیاتی اصلی نظامی شده‌اند. این پایگاه‌ها دارای استقلال نسبی و توانایی پشتیبانی از عملیات ضربتی هوایی، زمینی و دریایی هستند؛ خواه این عملیات به شکل متمرکز و تجمع تمامی نیروهای پایگاه‌ها و اقدام جمعی‌شان باشد، خواه به هنگام نیاز به صورت عملیات جداگانه هر یک از پایگاه‌ها و انتشار نیروهای آن باشد. سازماندهی به موجب توافق‌نامه‌هایی است که آمریکا با کشورهای میزبان منعقد کرده است. در نهایت، این پایگاه‌ها قادرند به‌تنهایی و یا بدون تشکیل یک جبهه متحد بزرگ، به‌سرعت عملیات نظامی را در جهات مختلف سازماندهی کنند. آمریکا هم‌اکنون دارای شبکه گسترده‌ای از تسهیلات نظامی است که به این کشور اجازه می‌دهد هرگونه عملیات آبی، خاکی و هوایی را در هر نقطه از خاورمیانه به جز ایران، سوریه و تاحدودی لیبی انجام دهد. بنابر راهبرد نظامی جدید آمریکا، مهره‌چینی یا نحوه استقرار واحدهای نظامی تابع فرماندهی مرکزی، ۶۳ سایت نظامی واقع در ۱۱ کشور می‌باشد. این مناطق شامل خاور نزدیک واقع در منطقه خلیج فارس و دولت‌های درگیر در نزاع اعراب و اسرائیل، شاخ افریقا و منطقه گسترده‌ای در شمال افریقا (تونس، مراکش و الجزایر) و همچنین حضور گسترده واحدهای بزرگ نظامی در آسیای جنوبی و مرکزی، پیرامون و داخل افغانستان است. در نهایت، عرضه حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه شامل ۲۵ کشور است که از مراکش در غرب تا پاکستان در شرق ادامه یافته است.^{۲۰} بررسی این آرایش نظامی نشان می‌دهد که پایگاه‌های خلیج فارس همچنان از برجسته‌ترین و کارآمدترین واحدهای آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌گردند که به سایر پایگاه‌ها به‌نوعی در جهت تکمیل فعالیت‌های آن عمل می‌کنند.

۴. پراکندگی پایگاه‌های نظامی پیرامونی خلیج فارس

طبق گزارش ساخت پایگاه سالانه وزارت دفاع آمریکا برای سال مالی ۲۰۰۳ که اقلام املاک نظامی داخلی و خارجی ایالات متحده را به‌طور جداگانه مشخص کرده است، پنتاگون مالک یا اجاره دار ۷۰۲ پایگاه در تقریباً ۱۳۰ کشور است و ۶۰۰۰ پایگاه دیگر در خاک خود دارد.^{۲۱}

به نوشته روزنامه یونانی زبان *الفتروتیپیا* در اردیبهشت ۱۳۸۶، آمریکا برای حفظ حاکمیت خود، دارای ۷۳۷ پایگاه نظامی کوچک و بزرگ در ۱۳۰ کشور جهان است. این تعداد گزارش ساخت و احداث پایگاه‌ها از سال ۲۰۰۵ میلادی به بعد را دربر نمی‌گیرد. بنابراین، با احتساب پایگاه‌های جدید و یا در حال تاسیس، تعداد این‌گونه پایگاه‌های نظامی به بیش از یک هزار واحد می‌رسد. براساس آمار «انجمن بین‌المللی گردآوری پایگاه‌ها» هم‌اکنون تعداد ۱۲۰ هزار نظامی امریکایی در کشورهای اروپایی، ۲۰۰ هزار در خاورمیانه، ۹۰ هزار سرباز در خاور دور و بقیه در سایر کشورهای جهان و به‌خصوص در آفریقا حضور دارند.^{۲۲} مجموعه‌ای از پایگاه‌های مادر، فعل و انفعالات نظامی آمریکا را در سراسر جهان پشتیبانی و هدایت می‌کنند.^{۲۳} در چارچوب فشارهای آمریکا و افزایش محاصره ایران و تداوم نبرد در افغانستان و عراق، ایالات متحده زنجیره‌ای از پایگاه‌ها و مراکز نظامی خود را دور تا دور منطقه خلیج فارس و دریای عمان مستقر نموده است که شمار آنها به ۱۳ پایگاه می‌رسد. پراکندگی جغرافیایی این پایگاه‌ها به ترتیب زیر است:

۱. ترکیه: پایگاه اینجریلیک در جنوب این کشور مقر تعداد زیادی از جنگنده‌های امریکایی و انگلیسی است.

۲. افغانستان: نیروهای امریکایی پایگاه بزرگی را در منطقه هولانگ در شرق استان هرات ایجاد کرده‌اند. این پایگاه تنها ۴۵ کیلومتر با مرزهای شرقی ایران فاصله داشته و حدود ۱۰ هزار نیرو در آن مستقر است و واحدهای جنگ الکترونیک، شناسایی شده و ضد اطلاعات در آن فعال هستند. پایگاه هوایی بگرام در حاشیه کوه‌های هندوکش نیز از اهمیت فراوانی در تحرکات نظامی آمریکا در افغانستان برخوردار است.^{۲۴} به گزارش خبرگزاری رویترز، آمریکا در حال آماده‌سازی پایگاه بزرگ شیندند در ۱۰۰ کیلومتری مرز ایران بوده و قرار است جنگنده بمب‌افکن‌های امریکایی به آن منتقل شوند. به گفته سناتور جان مک‌کین در بازدید از این پایگاه هوایی، آمریکا به یک پایگاه نظامی پیشرفته ثابت در افغانستان نیاز دارد تا از امنیت منطقه‌ای خود در خاورمیانه حفاظت کند.^{۲۵}

۳. آسیای مرکزی و قفقاز: تاریخ پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی به بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جنگ افغانستان و نبرد با گروه طالبان باز می‌گردد. اهمیت این

کشورها تنها به دلیل موقعیت جغرافیایی آنها در شمال افغانستان نبوده، بلکه به این خاطر است که آنها در همسایگی روسیه، چین، ایران، خلیج فارس و دریای عمان قرار دارند. در سال ۱۹۹۹ کنگره آمریکا رسماً تقویت حضور نظامی این کشور را در آسیای مرکزی و قفقاز تصویب کرد و بودجه‌ای را به این امر اختصاص داد. قانون مزبور که استراتژی جاده ابریشم نام گرفت، هدف از این گونه همکاری‌ها را غربی کردن ساختار نیروهای مسلح منطقه و حرفه‌ای کردن ارتش‌های آن عنوان کرده است. آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان با پذیرش بخشی از نیروهای آمریکایی، از جایگاه برجسته‌ای در این راهبرد برخوردار هستند.

مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در آذربایجان پایگاه هوایی است که در نزدیکی باکو قرار دارد. واشنگتن همچنین تمایل خود را به اعزام چندین هزار نظامی به سه پایگاه هوایی و نیروهای واکنش سریع در شبه جزیره آبشرون در نزدیکی باکو اعلام کرده است. علاوه بر آن، برای راه‌اندازی پایگاه‌های راداری آمریکایی نیز در این کشور ابراز تمایل کرده است؛ هرچند این اقدام می‌تواند اثرات منفی بر پایگاه راداری روسیه در منطقه کابالا در مرکز آذربایجان داشته باشد. آذربایجان مکانی مناسب برای کنترل بخش شمالی خاورمیانه می‌باشد.^{۲۶}

آمریکا با وجود برخی اعتراضات در مقابل پرداخت سالانه ۱۲۰ میلیون دلار به دولت ازبکستان، پایگاه نظامی کارشی خان آباد را در اختیار خود دارد و علاوه بر آن سالیانه کمک‌های نظامی به ارتش و پلیس این کشور عرضه می‌کند. این پایگاه به علت نزدیکی با مرزهای ایران در آرایش نظامی آمریکا در خاورمیانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نقطه میان‌بری از شمال ایران به افغانستان و دریای عمان می‌باشد.^{۲۷}

پایگاه هوایی مناس در ۲۵ کیلومتری شمال غربی بیشکک قرقیزستان که ۳۰۰ نظامی آمریکایی را در خود جای داده است، نقش مهمی در انتقال تدارکات ناتو به افغانستان و مبارزه با گروه‌های طالبان و القاعده را ایفا می‌کند. به گفته روبرت سیمونس، نماینده ویژه دبیر کل ناتو در امور آسیای مرکزی و قفقاز، این فرودگاه در تثبیت امنیت منطقه‌ای و مبارزه با افراط‌گرایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دولت قزاقستان نیز حق استفاده از فرودگاه‌های خود را به ایالات متحده برای اهداف نظامی اعطا نموده و هواپیماهای جنگی آمریکا در حریم هوایی قزاقستان اجازه پرواز دارند.

آمریکا از اسلام‌آباد درخواست تاسیس یا اجاره یک پایگاه هوایی واقع در مجاورت منطقه خوزدار در ایالت بلوچستان را نموده است. نیروهای ویژه آمریکا نیز تمریناتی را در این منطقه و کراچی انجام داده‌اند. به گزارش روزنامه *تایمز* ارتش آمریکا به طور مخفیانه در حال استفاده از پایگاه هوایی شمسی در جنوب پاکستان برای به پرواز درآوردن هواپیماهای بدون سرنشین پریدیتور است. این پایگاه که در حدود ۳۰ مایلی مرز افغانستان واقع شده، به نیروهای آمریکایی اجازه می‌دهد که در اسرع وقت اهداف دوردست‌تری را مورد حمله قرار دهند. آمریکا علاقه‌مند به گسترش حضور نظامی و امنیتی خود در بندر گوآدار بلوچستان- پاکستان است. این بندر در کرانه اقیانوس هند و دریای عمان و سپس خلیج فارس با قرار گرفتن مابین سه منطقه استراتژیک حوزه نفتی غنی خاورمیانه، منطقه پرجمعیت جنوب آسیا و منطقه آسیای مرکزی و در فاصله ۴۰۰ کیلومتری شرق تنگه هرمز، نقش حیاتی در تکمیل آرایش نظامی ایالات متحده در خاورمیانه دارد. گوآدار مسیرهای دریایی متعددی را از اروپا، آفریقا، شرق آسیا و منطقه اقیانوسیه منتهی به دریای سرخ، تنگه هرمز و خلیج فارس تحت نظر دارد. این بندر همچنین نزدیک‌ترین ورودی به اقیانوس هند و سپس دریای عمان و خلیج فارس برای کشورهای آسیای مرکزی است.^{۲۸} به نوشته روزنامه انگلیسی زبان *نیشن* پاکستان، این بندر بهترین منطقه بین‌المللی برای ایجاد پایگاه‌های نظامی است و در رهنامه نظامی آمریکا جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.^{۲۹}

۵. آرایش نظامی آمریکا در حوزه خلیج فارس

وزارت دفاع آمریکا پس از جنگ خلیج فارس اقدام به ساماندهی مجدد وضعیت نیروهای خود در ساحل غربی خلیج فارس نمود و با کاهش نسبی حجم نیروهای خود، این نیروها را به عراق منتقل کرد و با توجه به نیاز جابه‌جایی تمرکز نیروهای خود، مقدر شد با در نظر گرفتن ساختار تشکیلاتی واحدهای عمل‌کننده در منطقه، این واحدها در مناطق خاصی مستقر شوند. میزان احساسات ضد آمریکایی در کشورهای میزبان و دامنه آزادی عملی که این کشورها به نیروهای زمینی و هوایی آمریکا در استفاده از خاک خود در صورت بروز جنگ می‌دهند، یکی دیگر از شاخص‌های تعیین‌کننده در چگونگی استقرار و پراکندگی این نیروهاست. میزان

سرمایه گذاری مالی و نظامی در هر یک از این پایگاه‌ها در کنار اهمیت ژئوپلیتیک کشور میزبان هم می‌تواند از دیگر شاخص‌های تعیین‌کننده مهم در این چارچوب باشد. تداوم نبرد در عراق، افغانستان و احتمال گسترش تشنجات منطقه‌ای و نیاز آمریکا به استفاده از راهبردهای نظامی با استقرار نیروهای آمریکایی در این منطقه، از دیگر عوامل مؤثر در پراکندگی و آرایش جدید پایگاه‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و دریای عمان است.

الف) عراق:

پایگاه به مرکز نظامی ثابتی گفته می‌شود که براساس امضای قرارداد با کشور صاحب خاک برای مدت طولانی واگذار می‌گردد. این گونه پایگاه‌ها معمولاً برای مدتی بیشتر از ۵۰ سال اجاره می‌شوند و ظرفیت آنها بیش از ۳۰ هزار می‌باشد. بر این اساس آمریکا رسماً در عراق پایگاه ندارد. اما بر اساس آمار، آمریکا در عراق دارای ۵۵ مرکز نظامی است که در مناطق مختلف کشور استقرار یافته‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. پادگان بلد یا اناکوندا در ۶۸ مایلی بغداد در مساحتی حدود ۱۵ مایل مربع که با تجهیز به ۱۳۰ هواپیما و ۱۲۰ بالگرد، به‌طور عمده به فعالیت‌های هوایی می‌پردازد؛
 ۲. پایگاه الطیل به مساحت ۲۰ مایل مربع در ۱۴ مایلی ناصریه؛
 ۳. الاسد در ۱۲۰ مایلی بغداد با ۱۷ هزار نظامی؛
 ۴. القیاره در ۵۰ مایلی جنوب شرق موصل؛
 ۵. پایگاه ویکتوری به مساحت ۱۴۰ مایل مربع و ظرفیت ۲۰ هزار نیرو در مجاورت فرودگاه بغداد؛
 ۶. پادگان مارینز در نزدیکی فرودگاه موصل؛
 ۷. پادگان کرکوک؛ و
 ۸. پایگاه اربیل در شمال عراق که ظرفیت پذیرش ۱۴ هزار نظامی را دارد.
- پایگاه باشور در شمال و پایگاه مشهور به H1 در غرب نیز از دیگر مراکز نظامی آمریکا در عراق می‌باشد.^{۳۰}

به نوشته روزنامه شرق/الوسط، تلاش امریکا برای ساخت یک پایگاه نظامی پیشرفته و ثابت در سلیمانیه عراق شدت گرفته است.^{۳۱}

هفته‌نامه آوینه چاپ سلیمانیه نیز از تأسیس سه پایگاه نظامی امریکا در شهرهای اربیل، سلیمانیه و دهوک خبر داده است.^{۳۲}

طرح توافق‌نامه امنیتی که به دلیل پایان یافتن زمان حضور نیروهای امریکایی در اواسط سال ۲۰۰۸ ما بین مقامات عراق و امریکا امضا گردید، در توسعه آرایش نظامی واشنگتن در عراق نقش مهمی دارد. بر اساس این توافق‌نامه، دولت امریکا حق برپایی هر تعداد پایگاه‌های نظامی در عراق را دارد. طبق یکی از بندهای این قرارداد، دو طرف در زمینه تجهیز و نوسازی تأسیسات زیربنایی نظامی در زمینه ارتباطی، اسکان و پشتیبانی از این واحدها توافق نمودند.^{۳۳} توافق‌نامه نظامی به امریکا این امکان را می‌دهد که پایگاه‌هایی در مجاورت مرز عراق با ایران و سوریه ایجاد گردد.^{۳۴}

ب) بحرین:

نیروهای امریکایی حضور نظامی قدرتمندی در بحرین دارند. تسهیلات نظامی مختلف امریکا در بندر سلیمان، فرودگاه المحرق و پایگاه هوایی شیخ عیسی است، اما از همه مهم‌تر پایگاه نظامی جفیر در نزدیکی منامه است که از برجسته‌ترین پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا مرکز فرماندهی ناوگان پنجم امریکا و مرکز فرماندهی نیروهای ویژه دریایی (مارینز) را در خود جای داده است.^{۳۵} در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون در سال ۱۹۹۵، اسکله اصلی نیروی دریایی بحرین با تغییر کاربری گسترده به‌منظور استفاده ناوگان پنجم امریکا در غرب منامه افتتاح گردید. این اسکله به‌طور معمول پذیرای ۲ الی ۴ ناوشکن در آن واحد بوده و امکان پهلوگیری ۱۰ ناوچه و تعدادی شناورهای تندرو نیز در آن وجود دارد. در مجاورت آن نیز یک فرودگاه نظامی برای استفاده یگان‌های هوایی نیروی دریایی امریکا تأسیس شده است. ناوگان پنجم امریکا در بحرین وظیفه حراست و گشت زنی در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و خلیج عدن را بر عهده دارد. بخش سی تی اف ۱۵۸ این ناوگان به عملیات در بخش‌های شمالی

خلیج فارس و مجاور آبهای ایران می‌پردازد. دریابان ویلیام گورتنی و دریادار توماس کوپر فرماندهی ناوگان و فرماندهی تفنگداران دریایی آن را بر عهده دارند. در جریان جنگ افغانستان و عراق این پایگاه با عملیات پرتاب موشک‌های کروز، تامین تجهیزات نیروهای مستقر در خلیج فارس، تدارکات و نقل و انتقال نیروها، نقش مهمی در پیشبرد برنامه‌های نظامی آمریکا ایفا نمودند.^{۳۶}

به گزارش رادیو فرانسه، دولت واشنگتن قصد توسعه دامنه پایگاه‌های خود در این کشور را دارد. بر این اساس سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا اعلام نمود که نیروی دریایی در ژانویه ۲۰۰۸ قراردادی را برای در اختیار گرفتن ۷۰ هکتار از اراضی بندر سلیمان با دولت بحرین امضاء نموده است. به گفته مقامات ارتش آمریکا، در پایگاه دریایی بحرین علاوه بر خدمه و افراد ۱۶ کشتی امریکایی، ۳۵۰۰ سرباز نیز حضور دارند.^{۳۷} در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ نیروی دریایی ارتش آمریکا قراردادهایی به ارزش ۲۰۳ میلیون دلار برای اجرای پروژه‌های نظامی در بحرین منعقد کرد. یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های طرف قرارداد برای اجرای این پروژه‌ها، شرکت Contract International است که متعهد به ساخت ۲ مجموعه چندطبقه برای نیروی دریایی ارتش آمریکا مجهز به تجهیزات مخابراتی ارتباطی پیشرفته در سواحل بحرین شد. این شرکت در ماه سپتامبر ۲۰۰۹ برنده مناقصه ۲۹ میلیون دلاری برای احداث تاسیسات آبی-خاکی به سفارش مرکز پشتیبانی دریایی نیروی دریایی ارتش آمریکا در سواحل بحرین شد.^{۳۸} بر اساس یکی از مفاد قرارداد همکاری‌های امنیتی منعقد شده میان دو کشور در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸، آمریکا از پیشرفت نظامی بحرین با تاکید بر تعهد این کشور در هدایت یک نیروی ضربتی دریایی حمایت خواهد نمود.^{۳۹}

ج) کویت:

کویت به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی نظامی آمریکا در منطقه حساس خلیج فارس و خاورمیانه به شمار می‌رود و پایگاه‌های نظامی آمریکا در شمال و شرق کویت، به ویژه در نزدیکی بندر «الشویخ» به عنوان پایگاه‌های تدارکاتی نیروهای نظامی آمریکا در عراق، به شمار می‌رود

و موقعیت نیروهای آمریکا در این کشور بر تحولات امنیتی منطقه تاثیر خاصی دارد. هرچند نظامیان آمریکایی در عراق به پادگان‌های بیرون از شهر برده شده‌اند، همچنان در کویت که به‌عنوان سکوی تغذیه نظامی و محلی برای استراحت نیروهای نظامی آمریکا در عراق به شمار می‌رفت، حفظ خواهند شد و در راستای تامین اهداف نظامی پنتاگون با آنان رفتار خواهد شد. هرچند دولت اوپاما، سعی در کاهش نیروهای نظامی خود در عراق دارد، سیاست «نظامی‌گری» آمریکا، حضور نظامیان آمریکا در کویت را نه تنها به عنوان یک هم‌پیمان اصلی با واشنگتن می‌داند، بلکه کویت را نزدیک‌ترین کشور منطقه برای اهداف نظامی ناتو به شمار می‌آورد. نیروهای نظامی آمریکا همچنان سکوهای موشکی متحرک و همچنین پدافندهای پیشرفته «پاتریوت» و سیستم‌های ناوبری زمینی خود را حفظ خواهد کرد که بخشی از هزینه‌های آن را نیز در کویت پرداخت می‌کند. همچنین بنادر کویت به صورت اختصاصی، اسکله‌هایی در اختیار نظامیان آمریکایی همچون گذشته قرار خواهند داد. رفت و آمد آزادانه شناورهای آمریکایی در شمال غرب خلیج فارس و آبهای منطقه «خور عبدالله» و جزیره «بویان» کویت نیز عملاً به این واحدها سپرده شده است. عناصر مختلفی از نیروهای آمریکایی تقریباً در تمامی پایگاه‌های اصلی نظامی کویت تمرکز یافته‌اند و در پایگاه هوایی احمد الجابر، پادگان الدوحه، جزیره فیلیکه، فرودگاه کویت و بندر احمدی و کمپ بوهرینگ به شکل مشترک با ارتش کویت همکاری می‌کنند. مهم‌ترین واحدهای آمریکا در پادگان‌های علی‌السام و اریفجان قرار دارند.

استعداد نیروهای نظامی آمریکا در کویت شامل ۱۰۰۰۰ سرباز، ۵۲۲ دستگاه تانک، لشکرهای فرماندهی زرهی با قدرت هریک ۳ گردان، ۵۲ فروند انواع جنگنده، ۷۵ بالگرد آپاچی و واحدهای موشکی رهگیر و پدافندی پاتریوت است.^{۴۰} کویت در جریان جنگ عراق محل فرود هواپیمای رادارگریز آمریکا بود که ۳۶ فروند از آنها وظیفه حملات به مرکز شهر بغداد را بر عهده داشتند.^{۴۱} بر اساس یک طرح ۱۹۳ میلیون دلاری، پایگاه نیروی زمینی آمریکا در کویت نوسازی خواهند شد تا ستاد یک تیپ نیروهای آمریکایی به طور دائم در آنجا مستقر شوند. این ستاد از طریق یک سیستم ویدیویی و مخابره اطلاعات با ستادهای کل فرماندهی مرکزی آمریکا در ریاض و تامپا فلوریدا در ارتباط است.^{۴۲} پایگاه‌های کویت نقش مهمی را در عملیات جاسوسی و اکتشافی آمریکا

ایفا می‌نمایند. این پایگاه‌ها به ویژه پادگان هوایی الجابریه، اطلاعات جمع‌آوری شده به‌وسیله هواپیماها و بالن‌های تجسسی را تجزیه و تحلیل می‌کنند.^{۴۳} همچنین یک پایگاه قوی شنود الکترومغناطیسی در شمال کویت و ساحل خلیج فارس فعالیت می‌نماید. این پایگاه شنود که به‌صورت یک بالن بزرگ در ارتفاع بالا بین ۲ تا ۴ کیلومتر قرار دارد، با استفاده از امواج الکترومغناطیسی اقدام به شنود و ایجاد اختلال در امواج تلفن همراه و بیسیم تا فاصله حدود ۷۰۰ کیلومتری می‌کند. پایگاه مذکور که دو سال قبل از عملیات نیروهای متحدین علیه عراق تاسیس گردید، در جریان جنگ دچار صدمات اساسی شد اما پس از گذشت ۶ سال توسط نیروهای اطلاعاتی امریکا مرمت و راه اندازی گشت. در ۳۰ مایلی شهر کویت (پایتخت کویت) اردوگاه امریکن که در آستانه تهاجم امریکا و متحدانش به عراق ساخته شد، قابلیت اسکان ۱۵۰۰۰ نیروی آمریکایی را دارد. کمپ بوهرینگ نیز در شمال شهر کویت و مجاور شهر اودیبری، ضمن اسکان تعداد زیادی نیرو، با امکانات رفاهی پیشرفته، در واقع توقف‌گاه موقت نیروهای آمریکایی عازم به عراق و یا بالعکس است. ارتش امریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ بیش از ۵۰۲ میلیون دلار صرف اجرای طرح‌های گوناگون در کویت نموده است. هم‌زمان نیروی هوایی آمریکا در حدود ۵۵ میلیون دلار و نیروی دریایی آن کشور نیز ۷ میلیون دلار دیگر به این مبلغ افزوده‌اند. براساس اطلاعات منتشره توسط دولت آمریکا، پنتاگون در همین مدت در مجموع حدود ۲۰ میلیارد دلار در کویت صرف خرید سوخت و خدمات نظامی از مقاطعه‌کاران مختلف برای تاسیسات خود در این کشور و مناطق دیگر کرده است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۶، قرارداد بهبود و ارتقای تجهیزات روشنایی دو پایگاه هوایی السالم و الجابر کویت را به ارزش ۱۰ میلیون دلار به شرکت ارچیرودون سپرد. اخیراً نیز فعالیت‌های ساختمانی در پایگاه امریکن افزایش یافته است. براین اساس در سپتامبر ۲۰۰۹، پنتاگون قراردادی را به ارزش تقریبی ۲۶ میلیون دلار با شرکت سی توام کانترکترز به‌منظور احداث تاسیسات مخابراتی جدیدی در این پایگاه منعقد کرد. پس از مدتی، شرکت دیگری قراردادی به ارزش حدود ۸۷ میلیون دلار برای احداث و اجرای طرح‌های نگهداری و خدمات پشتیبانی در آن پایگاه منعقد نمود.^{۴۴} به‌نظر می‌رسد به سبب فضای خاص سیاسی و اراده حاکمیت این شیخ‌نشین خلیج فارس، کویت به امن‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه تبدیل شده است.

(د) قطر:

حضور نظامی آمریکا در سال‌های اخیر در قطر توسعه فراوانی یافته است. این حضور در اشکال احداث انبارهای مهمات و تشکیل و سازماندهی چندین لشکر است. بخش عمده تسهیلات نظامی آمریکا در پادگان‌های السیلیه، فرودگاه بین‌المللی دوحه و منطقه ام سعید تمرکز یافته است، اما پایگاه نظامی العدید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی آمریکا در منطقه، اهمیت بیشتری دارد. با انتقال مقر فرماندهی مرکزی از فلوریدا به این پایگاه، اهمیت العدید در فعل و انفعالات نظامی و امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه تشدید شده است.^{۴۵} پایگاه عملیاتی هوایی العدید در ۳۵ کیلومتری جنوب دوحه و در ۷۰ کیلومتری مرز مشترک این کشور با عربستان قرار دارد که از اکتبر ۲۰۰۱ به مهم‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در آسیا و خاورمیانه تبدیل شده است. از همین سال شهرکی با نام کمپ اندی در این منطقه بنا شد که اکنون هزاران نظامی آمریکایی در آن زندگی می‌کنند. پیش از آن مرکز فرماندهی نیروی هوایی آمریکا در پایگاه مک دیل فلوریدا قرار داشت، اما با انتقال این فرماندهی به قطر، اکنون فرماندهی عملیات این کشور در العدید قرار دارد. دولت قطر پیش از ۴۰۰ میلیون دلار برای توسعه آن هزینه نموده است. باندهای آن برابر ۱۴۷۶۰ پا است که باند پروازی ۱۲۰ هوپیمای جنگی آمریکا محسوب می‌شود؛ و البته از قابلیت افزایش سریع محوطه باند پروازی نیز برخوردار است. در شرایط عادی در این پایگاه ۲۴ هوپیمای امداد رسانی سوخت و تدارکات وجود دارد که در شرایط غیرعادی افزایش می‌یابد، چنان‌که در زمان جنگ عراق به ۳۰ فروند افزایش یافت.^{۴۶} با استقرار اسکادران ۸۲۳ هوایی آمریکا معروف به اسب قرمز در اکتبر ۲۰۰۱ در این پایگاه و انتقال بخشی از تجهیزات پایگاه هوایی شاهزاده سلطان عربستان در مارس ۲۰۰۲ به آن، اهمیت العدید بیشتر شده است. در مارس ۲۰۰۲ دیک چینی، معاون رییس جمهوری آمریکا، با حضور در این پایگاه به اهمیت نقش آن در تحرکات نظامی ایالات متحده در خلیج فارس اشاره نمود.^{۴۷} العدید هم‌اکنون به‌عنوان مرکز عملیات هوایی و فضایی مشترک در منطقه به‌شمار می‌رود. در حقیقت این پایگاه مرکز کنترل و فرماندهی اصلی تحولات نظامی خلیج فارس و دریای عمان را برای واشنگتن انجام خواهد داد.

به صورت کلی استعداد نیروها و تجهیزات آمریکا در قطر بالغ بر ۳۰۰۰ سرباز، ۱۷۵ تانک، هواپیماهای جاسوسی، یگان‌های ضد مین و انبارهای ذخیره مهمات است.^{۴۸} العدید به یکی از مراکز مهم جنگ الکترونیک آمریکا تبدیل شده است که با هدف اختلال در سیستم‌های ارتباطی و قطع ارتباط مراکز فرماندهی دشمن با نیروهای تحت امر و اختلال در سیستم‌های ناوبری در دریا و هوا طراحی شده است و این یکی از برنامه‌های جدی آمریکا در ازای هرگونه برخورد نظامی جدید در منطقه به‌شمار می‌رود.^{۴۹} پایگاه سیلیه قطر نیز پس از العدید از اهمیت فراوانی برخوردار است و به یک مرکز ستاد عملیاتی (ستاد مشترک ارتش آمریکا) تبدیل شده است و از همین نقطه بود که تمامی جلسات مطبوعاتی سخنگویان و مقامات ارتش آمریکا پس از حمله به عراق انجام می‌شد. پنتاگون به علت اهمیت راهبردی پایگاه‌های العدید و السیلیه، سیستم‌های ضد موشکی پاتریوت که در آغاز جنگ عراق در قطر مستقر شدند را با انعقاد یک قرارداد به ارزش ۶/۷ میلیون دلار با شرکت اسلحه‌سازی رایتون ارتقا دادند. تکمیل این سیستم در سال ۲۰۱۰ به پایان رسید.^{۵۰}

ر) عربستان سعودی:

عربستان از سال ۱۹۹۰ راهبردی‌ترین و مهم‌ترین محل حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس بوده است. محل استقرار این نیروها در پایگاه‌های الدمام، الهوف، الخبر، تبوک، ینبوع، پادگان ملک عبدالعزیز در ظهران، پایگاه دریایی ملک فهد در جدّه، پایگاه هوایی ملک خالد در ابهاء، پادگان پیاده الریاض و پادگان پیاده الطایف است. مهم‌ترین نقطه استقرار نیروهای نظامی آمریکایی در پایگاه هوایی امیرسلطان در جنوب ریاض است که بیش از ۵۱۰۰ سرباز آمریکایی در این پایگاه مستقر بوده‌اند. علاوه بر این تعداد، ۴۲ فروند انواع جنگنده اف۱۵، اف۱۶ و اف۱۱۷ آمریکایی به همراه تعدادی از هواپیماهای تورنادو، میراژ و هواپیماهای ترابری انگلیس و فرانسه در این پایگاه‌ها به خدمت می‌پردازند. حدود ۲۰۰ نظامی انگلیسی و ۱۳۰ سرباز فرانسوی نیز در عربستان حضور داشته‌اند.^{۵۱}

در جریان عملیات بازپس‌گیری کویت، از اوت ۱۹۹۰ تا ژانویه ۱۹۹۱ در مدت ۵ ماه در یک عملیات نظامی وسیع، نیروهای متفقین به رهبری آمریکا ۵۵۰ هزار سرباز خود را در عربستان

مستقر نمودند. حدود ۳ هزار تانک و ۲ هزار فروند انواع هواپیما نیز به منطقه وارد گشت.^{۵۲} هواپیماهای معروف گالکسی متعلق به نیروی هوایی آمریکا و نیروهای سلطنتی بریتانیا، نیروهای زمینی را از پایگاه‌های رامشتاین و گوتزلو آلمان به منطقه الجبیل خلیج فارس منتقل نمودند. انواع گوناگونی از بالگردهای هوانیروز آمریکا به وسیله هواپیمای ترابری گالکسی به منطقه حمل گردیدند که به‌طور عمده بخشی از تیپ عملیات هوایر و ویژه یکصد و شصتم بودند. حدود ۱۰۰۰ فروند انواع بالگرد مناسب با آب و هوای خلیج فارس به منطقه حمل گردید و در مدت‌زمانی پیش از آغاز نبرد اصلی در مناطق بیابانی عربستان اقدام به پروازهای آزمایشی نمودند تا با شرایط مناطق کویری منطقه آشنایی پیدا کنند.^{۵۳}

(ز) عمان:

پس از مشارکت نیروهای آمریکایی و انگلیسی مستقر در عمان در جنگ افغانستان، پایگاه‌های آمریکایی مستقر در عمان از فعال‌ترین پایگاه‌های این کشور در منطقه شده‌اند. نیروهای ارتش آمریکا عمدتاً در بندر قابوس در مسقط، بندر صلاله مرکز استان ظفار و فرودگاه بین‌المللی السیب تمرکز یافته‌اند. نظامیان وابسته به نیروی هوایی در پایگاه هوایی المثنی و تیمور استقرار دارند. پادگان پیاده نظام مصیره نیز از قرارگاه‌های اصلی نیروهای آمریکا و انگلستان در عمان محسوب می‌گردد. حدود ۳۰۰۰ نیروی نظامی و پشتیبانی آمریکایی در بخش‌های زمینی، هوایی و دریایی در عمان حضور دارند. بخشی از ادوات نظامی ارتش آمریکا در منطقه خلیج فارس در انبارهای عمان قرار دارد. نیروی هوایی آمریکا برای انجام عملیات در خاورمیانه از پایگاهی به نام اردوگاه عدالت در عمان استفاده می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، ارتش و نیروی هوایی آمریکا هر یک حدود ۱۳ میلیون دلار جهت اجرای پروژه‌های ساخت‌وساز در این سلطان‌نشین صرف نموده‌اند. شرکت مقاطعه‌کاری «کازماپولیتن ای ام تی ای جی» به‌تازگی قراردادی به ارزش ۵ میلیون دلار با پنتاگون برای ساخت یک مجتمع عظیم استراحت‌گاهی در عمان امضا کرده است. گویا قرار است از این مجتمع در صورت هجوم بالقوه نیروهای نظامی آمریکا به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس استفاده شود.^{۵۴}

س) امارات متحده عربی:

آمریکا از امکانات و تسهیلات متعدد نظامی در این کشور برخوردار است. پایگاه هوایی الظافره در ابوظبی، فرودگاه بین‌المللی الفجیره و نیز تعدادی از بنادر امارات متحده عربی شامل بندر زاید، رشید و جبل علی در دبی و بندر الفجیره از این مراکز هستند. حدود ۵۰۰ نظامی آمریکایی و تعدادی از هواپیماهای جاسوسی و اکتشافی آن نیز در این کشور قرار دارد.^{۵۵}

۶. راهبرد نظامی جدید آمریکا

بر اساس گزارش «ساخت پایگاه سالانه وزارت دفاع آمریکا»، ارتش ایالات متحده برای جابه‌جایی تنها بخشی از پایگاه‌های خارجی خود حداقل به ۲/۱۱۳۰۰۰ میلیون دلار و برای جابه‌جایی تمام آنها به ۵/۵۹۱۵۱۹ میلیون دلار نیاز خواهد داشت.^{۵۶} ارتش آمریکا در چارچوب عوامل مؤثر بر پراکندگی پایگاه‌ها و تجارب جنگ عراق و افغانستان، اقدام به کاهش گسترده شمار واحدهای غیرجنگی خود در بخش‌های گوناگون نیروهای مسلح خود نموده است، به‌خصوص که بین ۲۵ تا ۳۰ هزار از نیروهای ارتش آمریکا را غیرنظامیان طرف قرارداد تشکیل می‌دهند که در چارچوب سیاست‌های دونالد رامسفلد، وزیر دفاع سابق، در خصوصی کردن جنگ‌ها صورت گرفت. علاوه بر آن واحدهای زرهی بزرگ با واحدهای نظامی کم‌حجم‌تر با تحرک بیشتر مجهز به خودروهای زره‌پوش سبک‌وزن و چالاک‌تر تعویض شده است تا بدین شکل، پایگاه‌های نظامی آمریکا بیشتر به پایگاه ادوات نظامی مبدل شود. این پایگاه‌ها مجهز به مراکز فرماندهی و کنترل، سامانه‌های ارتباطات، انبارهای خودروهای جنگی، سامانه‌های تسلیحاتی محوری، مهمات، ادوات مختلف و لوازم یدکی در کنار مراکز امداد و پشتیبانی لجستیکی است. در این پایگاه‌ها، نیروهای محدود انسانی مستقر هستند که در صورت نیاز امکان ارسال سریع نفرات وجود دارد. در این پایگاه‌ها توجه خاصی به فراهم کردن دستگاه‌های ردیابی و جاسوسی الکترونیکی معطوف شده است. این پایگاه‌ها با ماهواره‌های جاسوسی آمریکا در ارتباط هستند تا فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا بتواند به‌طور کامل در جریان هر آنچه در محدوده هریک از پایگاه‌ها می‌گذرد، قرار گیرد.^{۵۷}

محور اصلی سیاست جدید نظامی ایالات متحده امریکا براساس اعلام دولت باراک اوباما، عدم تکرار اشتباهات حکومت جورج بوش است. این امر با توجه به حضور گسترده ارتش امریکا در پایگاه‌های متعدد خلیج فارس، دریای عمان و سرزمین‌های پیرامونی آن و تداوم نبردهای خونین در عراق و افغانستان با دشواری‌های فراوانی روبه‌رواست. براساس طرح موسوم به «استراتژی نظامی آمریکا در قرن ۲۱» که توسط اوباما به معاون او جوزف بایدن ارائه شده است، ساختار ملی امنیت ملی امریکا براساس ضرورت‌های دهه ۴۰ میلادی و جنگ سرد تهیه شده و برای حل مسایل و سیاست ملی جدید امریکا کاملاً ناکارآمد است. در این طرح ضمن اشاره به پایان رسیدن جهان دو قطبی عصر جنگ سرد و تک قطبی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بر عدم امکان تداوم قدرت بلامنازع امریکا در تحولات جهانی تاکید و بر ضرورت کاهش حضور نظامی در خارج از مرزهای امریکا اشاره شده است. این مساله می‌بایستی در ارتباط تنگاتنگ با مساله تامین نیروی انسانی برای نیروهای مسلح آمریکا در جنگ‌های فرسایشی خاورمیانه، تلفات نظامیان و لطمات به جایگاه خدمت نظام وظیفه در این کشور باشد. در این طرح تاکید شده است که اگر کشوری با جمعیت ۳۰۰ میلیون نفر نتواند نیروی کافی برای خدمت سربازی جذب نماید، این موضوع برای دولت باید مشکل اساسی باشد. از این رو مساله تامین نیروی انسانی برای ارتش آمریکا و حفظ توان دفاعی نیروهای مسلح در اولویت برنامه‌های دولت جدید قرار خواهد داشت. به‌رغم تاکید دولت اوباما بر تقدم دیپلماسی گفت‌وگو در مسایل بین‌المللی، مقامات واشنگتن معتقدند که تنها از طریق حفظ توان دفاعی نیروهای مسلح می‌توانند به اهداف سیاسی خود در عرصه بین‌الملل دست یابند. بر این اساس، بخشی از رهنامه نظامی آمریکا، راهبرد سرمایه‌گذاری در سیاست نظامی واشنگتن در قرن ۲۱ اعلام شده است. از سوی دیگر در بخش مربوط به ترمیم و بهسازی توان نظامی قرن ۲۱، تاکید می‌شود که یکی از مهم‌ترین وظایف در روند تقویت توان نظامی امریکا در هزاره جدید، ارتقای قدرت نیروهای مسلح ایالات متحده به حد دوران جنگ سرد است. افزایش تعداد نیروهای متعارف، تولید نسل نوین تسلیحات نظامی، بازسازی جنگ‌افزارهای ارتش امریکا بر اساس رویدادهای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تهدیدات و نیازمندی‌های فعلی، تقویت نیروی هوایی با تاکید بر هواپیماهای بدون خلبان و ناوگان هوایی

ترابری و سوخت‌رسانی، توسعه نیروی دریایی برای تامین برتری مطلق امریکا در تمامی جهان، تکمیل سیستم دفاع موشکی و تقویت قدرت نظامی کشورهای عضو پیمان ناتو و ارتقای توانمندی این سازمان از دیگر محورهای اصلی طرح و راهبرد اوپاما می‌باشد. بر این اساس دولت اوپاما افزایش تعداد نیروهای متعارف را مد نظر قرار داد. براساس این طرح ۶۵ هزار نفر دیگر به نیروی زمینی ارتش آمریکا افزوده خواهد شد. ۲۷ هزار نفر نیروی جدید نیز به جمع تفنگ‌داران دریایی امریکا ملحق می‌گردند.^{۵۸} در سیاست خارجی دولت اوپاما، بیشترین توجه به منطقه خاورمیانه و حوزه راهبردی خلیج فارس معطوف شده است. بر این اساس تحولات این منطقه بر فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه نظامی سایر نقاط جهان نیز تاثیر خواهد گذارد. به‌منظور استمرار حاکمیت و نظارت دولت واشنگتن، مجموعه‌ای از پایگاه‌های گوناگون دور تا دور این نقطه را احاطه کرده است. دسته‌ای از پایگاه‌های پیرامونی در شمال و شرق ایران و بخش عمده‌ای نیز در جنوب تنگه هرمز قرار دارند. پس از درگیری‌های بین شیعیان زیدی حوثی و دولت یمن، تلاش امریکا برای استقرار یک پایگاه دریایی نظامی در محدوده تنگه باب المندب و دریای سرخ که ضلع پیرامونی دیگری از خلیج فارس و دریای عمان را تشکیل می‌دهد، تشدید شده است.

بر اساس این راهبرد، در جزیره سوکرترا یمن این پایگاه تاسیس خواهد گشت. این جزیره در اقیانوس هند و در فاصله ۸۷۰ کیلومتری شاخ افریقا و ۳۸۰ کیلومتری جنوب نوار ساحلی یمن قرار داشته و از طریق کانال سوئز، دریای سرخ و خلیج عدن، دریای مدیترانه را به جنوب آسیا و خاور دور متصل می‌کند. سوکرترا از طریق جزیره عبدالکوری که از جزایر اصلی سوکرترا محسوب می‌شود، در تقاطع آبراهه‌های راهبردی دریایی قرار گرفته و به یکی از مناطق اصلی بین‌المللی حمل و نقل دریایی در خروجی شرقی خلیج عدن متصل می‌شود. در صورت تکمیل قرارداد نهایی واگذاری جزیره میان یمن و واشنگتن، نیروهای امریکایی در جیبوتی و پایگاه دیه گوگارسبا به بحرین و سپس به یمن منتقل می‌گردند.^{۵۹} بر اساس راهبرد نظامی دولت اوپاما و چگونگی آرایش نظامی پایگاه‌های آمریکا در خاورمیانه، به جای افزایش بر تعداد نفرات نظامی در مناطق مختلف جهان، بر حضور اندک اما مؤثر نیروهای رزمی در پایگاه‌های کلیدی و سوق الجیشی

تاکید شده است. تلاش برای حضور ثابت نظامی بیشتر در محدوده دریای سرخ نیز در این چارچوب قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

دو دهه پس از جنگ سرد که ایالات متحده، خاورمیانه و خلیج فارس را مرکز ثقل سیاست خویش برگزید، این نکته روشن شده است که رهنامه خاورمیانه‌ای هر یک از دولت‌های آمریکا محتوا و مبانی خاص داشته است که این محتوا و مبانی تحت تاثیر دو عامل مهم شرایط و وضعیت سیاسی خاورمیانه به‌ویژه از حیث میزان قدرت جبهه دوستان و رقیبان آمریکا؛ و دوم، چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا در این منطقه، شکل گرفته است. محور تغییر در روند سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما، مربوط به خلیج فارس و خاورمیانه است. پس از گذشت بیش از دو سال از ریاست جمهوری دولت دموکرات اوباما، که کاهش مخارج دفاعی و عملیات برون مرزی از شعارهای اصلی انتخاباتی او بود، نشانه‌های جدی از این فرایند مشهود نمی‌باشد.^{۶۰} به‌لحاظ محتوا و مبانی، راهبرد نظامی اوباما در منطقه خلیج فارس نوعی حالت ترکیبی داشته که طی آن برخی از رفتارها و تصمیم‌های دولت‌های گذشته کنار نهاده شده و برخی دیگر همچنان دنبال می‌شوند. این نوع برخورد گزینشی تیم اوباما با میراث دیپلماسی دولت‌های پیشین نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که بخشی از معضلات خاورمیانه همچنان به قوت خود باقی است و دولت اوباما نیز همانند دولت‌های بوش یا کلینتون ناگزیر است در آینده با این معضلات روبه‌رو گردد.

بر اساس راهبرد نظامی اوباما، حضور نیروهای نظامی در خارج از مرزهای آمریکا کاهش می‌یابد، اما بر تقویت پایگاه‌های سوق‌الجیشی در مناطق راهبردی جهان تاکید می‌شود. مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی از دریای سرخ تا دریای عمان و اقیانوس هند و آسیای مرکزی، افغانستان و بین‌النهرین، وظیفه حراست از منافع دولت واشنگتن را در منطقه فوق راهبردی خاورمیانه برعهده خواهند داشت. در پی راهبرد جدید، پایگاه‌های مستقر در جنوب تنگه هرمز با دریافت طیف وسیعی از تجهیزات پیشرفته نظامی چون سیستم دفاع موشکی پاتریوت

تکمیل گشته و مجموعه‌ای از پایگاه‌های مختلف که به منزله کمربندهای پیرامونی دفاعی هستند، از این فرآیند حمایت خواهند نمود. آمریکا دو کشتی مجهز به سیستم ضد موشک‌های بالستیک به نام «ایجیس» را به خلیج فارس اعزام کرده و همچنین در حال استقرار سیستم‌های ضد موشک پاتریوت در چهار کشور عرب است. به گزارش روزنامه نیویورک تایمز امارات متحده عربی، بحرین، کویت و قطر چهار کشور عرب مورد نظر هستند. در رهنامه نظامی اوپاما، واحدهای مستقر در منطقه خلیج فارس با ارتباط با سایر پایگاه‌های آمریکا در مناطق پیرامونی، وظیفه عملیات پیشگیرانه را بر عهده خواهند داشت. این نوع عملیات موجب تثبیت جایگاه امنیتی آمریکا در حوزه راهبردی خلیج فارس و ماورای آن خواهد گردید. بررسی آرایش نظامی آمریکا در منطقه نشانگر آن است که خاورمیانه حداقل برای یک دهه دیگر، به‌عنوان مهم‌ترین منطقه استراتژیک جهان باقی خواهد ماند و پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس نیز با وجود کاهش تعداد نفرات برای سالیان طولانی حفظ خواهند شد. این امر به‌منزله آن است که حتی اگر پایگاه‌های آمریکا در مناطق پیرامونی در صورت عدم وجود درگیری‌های نظامی تقلیل یا برچیده گردند، واحدهای نظامی در حوزه خلیج فارس و دریای عمان به فعالیت خود ادامه داده و ضمن ارتقای تجهیزات، جایگاه ویژه‌ای در امور فرماندهی منطقه‌ای ارتش آمریکا ایفا خواهند نمود. تولید نسل جدید تسلیحات نظامی به‌ویژه هواپیماهای دورپرواز بدون خلبان، موشک‌های بالستیک هدایت‌شونده، ناوگان‌های سوخت‌رسانی و کشتی‌های هواپیمابر غول‌آسا و زیردریایی‌های موشک‌انداز اتمی که نیاز به پایگاه‌های منطقه‌ای را به‌شدت کاهش می‌دهد، نیز از این اهمیت نخواهد کاست.

پاورقی‌ها:

۱. یحیی صفوی، *خلیج فارس و جزایر آن*، سپهر، دوره ۱۵، شماره ۵۹ پاییز ۱۳۸۵، ص ۸؛ یوسف ترابی، *بررسی روابط اقتصادی و نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، تهران، عروج، ۱۳۷۹، ص ۴۳۰.
۲. یحیی صفوی، پیشین، ص ۹.
۳. مرکز مطالعات و تحقیق نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، «زیردریایی‌های قدرتمند نیروی دریایی»، پیام دریا، شماره ۱۱، آذر ۱۳۸۱، ص ۶-۸۱؛ حسام‌الدین فرخ‌یار، «نگاهی به سیر و تکامل زیردریایی‌های ابتدایی»، پیام دریا، شماره ۵۵، فروردین ۱۳۷۶، ص ۱۱۳-۱۰۹.
۴. محمد مونسان، *زیردریایی‌های نظامی*، تهران: دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱-۱۸۹؛ یحیی صفوی، *جغرافیای نظامی ایران*، جنوب و جنوب شرق کشور، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰، ص ۳-۴۲.
۵. مصطفی دولت‌یار، *رژیم حقوقی تنگه‌های بین‌المللی با تاکید بر مسایل حقوقی تنگه هرمز*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۱۳۰.
۶. توفیق صدر موسوی، «دشواری‌های دریانوردی در خلیج فارس و دریای عمان»، پیام دریا، شماره ۱۵، آذر ۱۳۷۲، ص ۳۲.
۷. یوسف ترابی، پیشین، ص ۶-۴۳۵.
۸. یحیی صفوی، پیشین، ص ۸؛ عزت‌الله عزتی، *ژئوپلیتیک در قرن ۲۱*، تهران: سمت، ۱۳۸۲، ص ۱۹.
۹. عزت‌الله عزتی، *ژئواستراتژی*، تهران: سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶.
۱۰. همان، ص ۴۰.
۱۱. عزت‌الله عزتی، *جغرافیای نظامی ایران*، تهران: دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶، ص ۱۴۴.
۱۲. یحیی صفوی، پیشین؛ پیروز مجتهدزاده، *جغرافیای تاریخی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳-۱۵۶.
۱۳. *منتديات شبکه حنین، الوجود الامريكي في الخليج، تاريخ و دلالات*، ۹/۶، ۲۰۰۹، ص ۱-۳.
14. wikipedia, persiangulf command. 2/12/2006, pp 1- 6.
15. US Army Corps of Engineers, Office of Hisyory: Did You Know? engineer

construction in the Persian gulf, www. hq. usac. e. army. mil 2007, p1.

16. Wikipedia, op. cit.

۱۷. جیمزبیل، شیر و عقاب، ترجمه: برلیان فروزنده، تهران: فاخته، ۱۳۷۱، ص ۲۷؛

- US Army Corps, op. cit.

18. Wikipedia, op. cit., pp 1-2;

- صفاء الدین تبرائیان، ایران در اشغال متفقین، تهران: رسا، ۱۳۷۱، ص ۶۱۱.

۱۹. محمدجعفر چمنکار، بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران: مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۳، صص ۳۶-۴۲.

۲۰. محمد عبدالسلام، حضور نظامی امریکا، چرا و چگونه؟ سعید آقا علیخانی، شبکه الجزیره، ۸ بهمن ۱۳۸۱؛

- Washington post , US Steps up Arms Sales to Persian Gulf Allies, 31 jan 2010

۲۱. امپراطوری پایگاه‌های نظامی امریکا، نشریه الکترونیکی آر.ش.، ۱۱/۸/۲۰۰۸، صص ۵-۱؛

-Nick Turse, "US Military bases in the Persian Gulf," *World Affairs*, 23 November 2009, pp. 3-6

۲۲. پایگاه اطلاع‌رسانی و تحلیلی عملیات روانی، پایگاه‌های نظامی امریکا در جهان، ۲۳/۲/۱۳۸۶؛

www. arnet. ir, Martin Barillas, "US Military Build up in Persian Gulf as Tensions with Iran Emerge," *World Affairs*, 1 Februray 2010, p. 33.

۲۳. پایگاه خبری تحلیلی صدای مردم، آشنایی با پایگاه‌های نظامی امریکا در جهان، ۲۳/۹/۱۳۸۶؛

Julien Mercille, "US Arms Mmiddle East, Arab Countries Getting Air Power from Western Suppliers," *World Affairs*, 19 November 2009, pp.18-24;

- شریف نیوز، سرنوشت ابهام آلود پایگاه فوق سری آمریکا در اقیانوس، ۱۱/۱۱/۱۳۸۳؛

Michel Chossudovsky, "America s war on Terrorism," *World Affairs*, Jun 2005, p.15

۲۴. پایگاه اطلاع‌رسانی ایفا، بگرام پایگاه دائمی امریکا در افغانستان خواهد شد. ۲۷/۱۱/۱۳۸۸؛ - همشهری آنلاین، توسعه

پایگاه بگرام برای حضور طولانی‌مدت نیروهای امریکایی در افغانستان، ۲۷/بهمن/۱۳۸۸؛ - خبرگزاری صدای افغان (آوا)،

استفاده از هواپیمای رادار گریز در افغانستان، ۲۷/۱۱/۱۳۸۸.

۲۵. قدس، انتقال پایگاه هوایی امریکا به مرزهای ایران، ۲۵/۱۲/۱۳۸۳.

۲۶. خلیفه الراشد، «۱۴ پایگاه نظامی امریکا در منطقه حلقه محاصره را علیه ایران تنگ‌تر می‌کنند»، روزنامه الانباء کویت،

بخش اول، علی حسین زاده، پایگاه تحلیلی ایران در جهان، شماره ۱۷، ۱۱/۸/۲۰۰۸، صص ۱-۳. - پایگاه اطلاع‌رسانی

خبرنگار، ابعاد نظامی شدن خزر، ۲۸/۱۱/۱۳۸۳.

۲۷. همشهری، مخالفت ازبکستان با ادامه حضور نیروهای آمریکایی در این کشور، ۱۰/مرداد/۱۳۸۴، ص ۳/ایران، رویای بازگشت

غرب به آسیای مرکزی، ۲۱/۱۲/۱۳۸۶، ص ۷؛ سرمایه، جایگاه آسیای مرکزی در چالش قدرت‌ها، ۵ آبان ۱۳۸۷، ص ۴.

۲۸. قدس، پایگاه مخفی سیا در پاکستان، ۱/۱۲/۱۳۸۷، ص ۳؛ الراشد، بخش دوم، پیشین، ص ص ۱-۴؛ سفارت جمهوری

اسلامی ایران در پکن، مساله بندر گوادر پاکستان در روابط چین و امریکا، ۲۲/۸/۱۳۸۶.

۲۹. خبرگزاری آفتاب، گوادر پاکستان بهترین منطقه برای پایگاه‌های نظامی ۱۴/آبان/۱۳۸۴.

۳۰. صدای مردم، پیشین، ص ص ۱-۳، الراشد، پیشین، بخش اول، ص ص ۱-۲.

۳۱. خبرگزاری فارس، احداث پایگاه نظامی امریکا در کردستان عراق، ۲/۱۱/۱۳۸۵، پایگاه اطلاع رسانی هوا و فضای ایران،

توان نظامی ایران از دید دیگران، ۱۲/۴/۱۳۸۹، ص ص ۱-۲.

۳۲. پایگاه اطلاع رسانی جوان آنلاین، امریکا سه پایگاه نظامی در کردستان عراق تأسیس می‌کند، ۱۱/۹/۱۳۸۸؛ آفتاب یزد،

۲۱ هزار نیروی آمریکایی، ۲۸/۱۰/۱۳۸۸، ص ۳.

۳۳. مردم سالاری، پیامدهای توافق نامه امنیتی عراق و امریکا، ۵/۹/۱۳۸۷، ص ۳؛ پایگاه تحلیلی سپیده دم، برنامه آینده،

امریکا در منطقه چیست، ۲۰/۴/۲۰۰۸.

۳۴. شبکه العربیه، ۲۸/۱۰/۲۰۰۸.

35. Globalsecurity, Manama Facilites, Military, US Navy Bahrain, 2/3/2009, pp. 1-3.

۳۶. پایگاه مرکز انجمن‌های تخصصی، ناوگان پنجم امریکا در بحرین، ۹/۹/۱۳۸۷؛ خبرگزاری فرانسه، توسعه پایگاه‌های

نظامی امریکا در بحرین، ۲/۱۲/۲۰۰۸؛

۳۷. رادیو فردا، ۱۱/۱۲/۲۰۰۹.

۳۸. جام جم، امریکا در حال افزایش حضور نظامی خود در خاورمیانه است. ۵ آذر ۱۳۸۸، ص ۳.

۳۹. پایگاه وزارت امور خارجه امریکا، گفتگوهای امنیتی خلیج فارس بین ایالات متحده و بحرین، ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸.

۴۰. عبدالسلام، پیشین، ص ۲، سبله عمان، اهم قواعد الامریکیه فی الخلیج الشوکة العالقه فی ظهر دول الخلیج،

۱۸/۳/۲۰۰۸، ص ص ۱-۲.

41. *Guardian*, Obama's, Hi Tech Weapons Plan for Persian Gulf, sees US Reverting to

Tupe, 31 jun 2010, p. 3.

۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، امریکا پایگاه‌های خود را در کویت توسعه می‌دهد، ۲/۴/۱۳۸۷.
۴۳. قدس، افزایش فعالیت جاسوسی امریکا در مرز ایران، ۲۸/۷/۱۳۸۶، ص ۴.
۴۴. پایگاه اخبار فناوری اطلاعات و ارتباطات، پایگاه شنود کویت موبایل‌های خوزستان را مختل کرده است، ۱۸/۲/۱۳۸۸؛ رسالت، خلیج فارس امریکایی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۸، ص ۲۰.
۴۵. عبدالسلام، پیشین، ص ۲؛ الجمل، قسم الدراسات والترجمه، مهمات القواعد العسكرية الامريكية في المنطقه العربيه ۶/۸/۲۰۰۸، ص ۱-۳.
۴۶. پایگاه خبری تحلیلی ایران و روسیه، روسیران، چگونه ایران به حمله امریکا پاسخ خواهد داد؟ ۲۸/۲/۱۳۸۵. پایگاه تحلیلی سیاسی و اجتماعی، خلیج فارس خلیج جنگ، ۲۰/۲/۱۳۸۶.
۴۷. پایگاه مرکز انجمن‌های تخصصی، پایگاه هوایی امریکایی العدید قطر در خلیج فارس و همسایگی ایران، ۳۱/۱/۱۳۸۸؛ هادی بهارلو، «یک جنگ و ده‌ها درس، درس‌های گرفته شده از جنگ عراق»، صنایع هوایی، شماره ۱۴۶، خرداد ۱۳۸۲.
۴۸. عبدالسلام، پیشین، الف باء، القواعد العسكرية الامريكية في المنطقه العربيه، ۱۷/۱/۲۰۰۸، ص ص ۱-۴.
۴۹. پیشین، ال فارس، بالصور توسيع قاعدة امریکيه في الخلیج، وب سایت دیپلماسی ایران، روابط نظامی و امنیتی امریکا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، نوروز ۱۳۸۷.
۵۰. کیهان، پنتاگون سیستم پدافند موشکی خود را در قطر تقویت می‌کند، ۱۸/۴/۱۳۸۵، ص ۱۶؛ خبرگزاری فارس، استقرار سیستم پیشرفته پدافند موشکی پاتریوت در قطر، ۱۷/۴/۱۳۸۵.
۵۱. عبدالسلام، پیشین، ص ص ۲-۳.
۵۲. ایران، جنگ اول خلیج فارس، ۱۸/۲/۱۳۸۸؛
- Tom Mahnken , “The [Persian] Gulf War in Resrospect,” World Aaffairs, 20 Jan 2010, p. 44.
۵۳. علی اکبرزاده، «تاریخچه هوا نیروز در جهان»، صنایع هوایی، شماره ۱۴۳، اردیبهشت ۱۳۸۲، منتديات الجزیره توک، ۱۸ قاعدة امریکيه في الخلیج ۱۲ منها في السعودیة تحوی ۱۱ الف جندی، ۳۰/۶/۲۰۰۸، ص ص ۱-۳.
۵۴. مردم سالاری، ۱۸/۱/۱۳۸۷، نیک تارس، خلیج فارس آمریکایی مهشید بابایی، رسالت، ۱۳/۱۰/۱۳۸۸، ص ۲۰.
۵۵. عبدالسلام، پیشین، ص ۳.
۵۶. آرش، پیشین، ص ۱، ارشیف الاخبار سی ان ان، تحطم طائرة تجسس امریکيه في الامارات، ۲۲/۷/۲۰۰۷.

۵۷. الراشد، پیشین، بخش ۱، ص ۱.

۵۸. عبدالسلام، پیشین؛ الراشد، پیشین، بخش ۲، ص ۲-۳.

۵۹. خبرگزاری فارس، یمن پایگاه نظامی در اختیار امریکا قرار می‌دهد، ۷/۱۱/۱۳۸۸؛ جام جم، طرح پنتاگون برای حضور نظامی در یمن، ۲۰/۱۰/۱۳۸۸، ص ۶؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، امریکا در سوکرترای یمن به نظامی کردن اقیانوس هند می‌اندیشد، ۹/۱۱/۱۳۸۸.

۶۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، عقب‌گرد اوپاما به سیاست‌های دوران بوس، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، اوپاما سیاست‌های جمهوری خواهان را ادامه می‌دهد، ۱۱/۱۰/۱۳۸۸، خبرگزاری مهر، پایگاه‌های نظامی امریکا در خلیج فارس، چرا و برای کسانی، ۱۸/۸/۱۳۸۸، خبرگزاری فارس، اوپاما حتی یک تغییر در سیاست های بوش ایجاد نکرد، ۱۶/۱۱/۱۳۸۸، صبح صادق، اوپاما پس از یک سال، ۵ بهمن ۱۳۸۸، ص ۱، پایگاه تحلیلی امریکا نگاه نو، تشدید سیاست نظامی گری بوش در دولت اوپاما، ۱۲/۵/۱۳۸۸، همشهری آنلاین، گفتمان قدرت در سیاست خارجی اوپاما، ۲۶/۱۱/۱۳۸۸، جهان نیوز، بازیگران سیاست خاورمیانه‌ای اوپاما، ۵/۶/۱۳۸۸؛ پایگاه تحلیلی الف، سرلشکر صفوی: سیاست امریکا با اوپاما تغییر نمی‌کند، ۱۰/۸/۱۳۸۷.